



معصومه صادقی اردستانی

مقدمه

قبل از آن که به بیان مواردی از فقرات «دعای مکارم الاخلاق» را، که به طور صریح یا کنایه از قرآن کریم گرفته شده پردازیم، این توضیحات لازم به نظر می‌رسد:

۱. دعای مکارم الاخلاق، در صحیفه سجادیّه، با شماره (۲۰) آمده و محدّث قمی هم آن را در کتاب: «مفاتیح الجنان» در صفحه ۵۹۹ آورده است.

۲. در روایت آمده، که رسول گرامی اسلام فرمود: «بعثت لاتمم مکارم اخلاق، ثم رغب الخلق فی ذلك أشد ترغیب؛ امن برای تکمیل مکارم الاخلاق مبعوث شده‌ام، سپس مردم را به این امر با شدت ترغیب می‌کرد، و دعای «مکارم الاخلاق» امام سجاده (ع) موارد زیادی از مکارم اخلاقی را بیان کرده است.

۳. در روایتی می‌خوانیم: امام موسی بن جعفر (ع) صوت و صدای خوبی داشت و قرآن را خوب تلاوت می‌کرد، اما یکی از روزها فرمود: امام سجاده (ع) پیوسته قرآن را تلاوت می‌کرد و صدای او آن قدر جذاب و دل ربا بود که افرادی با شنیدن صدای آن بزرگوار بی‌هوش می‌شدند...^۲

۴. حدیث «ثقلین» را همه محدثین شیعه و بسیاری از علمای اهل سنت با عبارات مختلفی روایت کرده‌اند، که یک نمونه آن چنین است: پیامبر اسلام (ص) فرمود: «إني تارك

فيكم الثقلين ما إن تمسكتم بهما لن تضلوا بعدى، أحدهما أعظم من الآخر كتاب الله
حبل ممدودة من السماء إلى الأرض، و عترتي أهل بيتي، ولن يفترقا حتى يردا على
الحوض، فانظروا كيف تخلفوني فيهما؛^۳

من، دو چیز را در میان شما به یادگار می گذارم که اگر بدان چنگ زنید، بعد از من
گمراه نخواهید شد، یکی از آن‌ها بزرگ‌تر از دیگری است، کتاب خدا، که ریسمان الهی
است و از آسمان به سوی زمین کشیده شده است، و دیگری «عترت من» و اهل بیت من
هستند، که اینان (کتاب خدا و عترت من) هرگز از یکدیگر جدا نخواهند شد، تا این که
کنار (حوض) کوثر بر من وارد شوند، دقت کنید، با این دو یادگار من، چگونه رفتاری خواهید
داشت».

پس از این توضیحات، مواردی از «دعای مکارم الاخلاق» را، که اساس قرآنی دارد - و
در شرایط امروزی بیشتر بدان‌ها نیاز داریم و جنبه کاربردی دارد -، با دقت مورد مطالعه
قرار می دهیم.

صلوات بر پیامبر و آل ایشان

امام سجاده (نواده پیامبر (ص) و پیشوای جامعه است، میراث‌های گران قیمت و بزرگ
پیامبر (ص) را در گفتار و عمل سرلوحه کار خویش قرار داده، تا ما نیز آن‌ها را به عنوان پیروان
پیرو آن بزرگوار، به کار بندیم.

قرآن کریم، فرموده: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا، صَلُّوا
عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» (احزاب، ۵۶/۳۲)؛ همانا خدا و فرشتگانش بر پیامبر رحمت
می فرستند، ای کسانی که ایمان آورده اید، بر او طلب رحمت نمایید و چنان که شایسته است
بر او سلام کنید.

رسول خدا (ص) قرآن را «ثقل اکبر» و عترت را «ثقل اصغر» نامیده است. امام سجاده (ع)
علاوه بر این که قرآن را با «صوت نیکو» می خواند و به احکام آن نیز عمل می کند، در شرایطی
که شعار «حسبنا کتاب الله» از طرف بعضی از خلفا و نیز، حکام اموی شعار فراگیر شده
بود و «عترت» به مظلومیت و فراموشی سپرده می شدند. صلوات بر پیامبر و آل او را، در
این دعا و در آغاز هر فرازی نوزده بار تکرار کرده، تا نام و یاد و راه آنان را ترویج نموده

باشد، و نیز از سویی یاران و دوستان اهل بیت (ع) نیز آموزش بگیرند، نوعی هشدار در برابر مخالفان هم صورت گیرد.

نیت خالص

نیت خالص، یعنی عبادت و هر خدمتی که انسان فقط به منظور اطاعت خدا و تقرب به ذات مقدس الهی انجام دهد که عبادت را روح و معنا می بخشد و آثار اخلاقی و عملی و اجتماعی به دنبال خواهد داشت.

امام سجاده (ع) پس از درخواست ایمان کامل از خداوند و رسیدن به مقام والای یقین، از درگاه الهی می خواهد: «وانته بنیتی إلى أحسن النيات...؛ و نیت مرا، به نیکوترین نیت ها منتهی بگردان».

در قرآن کریم، آن چه موجب عظمت و مقام والای معنوی انسان می شود، دعای مخلصانه؛ «وادعوه مخلصین» (اعراف، ۲۹/۷)؛ خالصانه او را بخوانید و همچنین عبادت مخلصانه می داند؛ «فاعبدالله مخلصا له الدين» (زمر، ۲/۳۹)؛ پس خدا را بندگی کن در حالی که دین را برای او خالص کرده ای. علاوه بر این اعمال مخلصانه را نیز مطرح می سازد؛ «لنا اعمالنا و لكم اعمالکم و نحن له مخلصون» (بقره، ۱۳۹/۲)؛ برای ماست اعمال ما و برای شماست اعمال شما و ما او را خالصانه می پرستیم.

امام سجاده (ع) در جای دیگر فرموده: «لا عمل إلا بالنية؛ هیچ عملی بدون نیت خالص، صحیح و کامل نخواهد بود».^۴

نکوهش منت گذاری

شاید دیده باشید، افرادی ظرفیت لازم را ندارند و همه چیز را بر اساس برداشت ها و توقع های سطحی می نگرند، اگر برای کسی قدمی برداشتند، برای این اقدام خویش، بر سر آن کس بارها و به صورت های مختلف منت می گذارند و خدمت کوچک یا بزرگ خود را به رخ او می کشند، این رفتار مطلوبی نیست و از فضایل اخلاقی و انسانی به دور است و چنین نقضیه بزرگ را باید برطرف کرد.

امام زین العابدین (ع) از خدا می خواهد: «وأجر للناس علی یدی الخیر، ولا تمحقه

بالمَنّ، وهب لي معالي الاخلاق...؛ خدايا! به دست من، خير و نيکی را بر مردمان جاری کن، و به مباحثات و فخر فروشی و به رخ کشیدن و منت نهادن، عباداتم را ضایع مگردان، و خلق و خوی عالی به من عطا کن».

قرآن کریم هم فرموده: «الذین ینفقون اموالهم فی سبیل اللّٰه ثم لا یتبعون ما انفقوا متّٰ و لا اذی لهم اجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون» (بقره، ۲/۲۶۲)؛ کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، و سپس به دنبال اتفاقی که کرده اند، منت نمی گذارند و (با زبان) آزاری نمی رسانند، پاداش آن ها نزد پرورشان (محفوظ) است...

در آیه دیگر آمده: «یا ایها الذّٰین آمنوا، لا تبطلوا صدقاتکم بالمّنّ و الاذی...» (بقره، ۲/۲۶۴)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، بخشش های خود را با منت گذاردن و آزار رساندن باطل نکنید.

درباره این دو آیه، چند توضیح لازم است:

۱. منت گذاشتن و آزار رساندن، در مورد «انفاق» و «صدقه دادن» ممنوع اعلام شده است.

۲. اگر چه «انفاق در راه خدا» در مرحله اول، کمک مالی به نظر می رسد، اما باید توجه داشت، دایره انفاق در راه خدا، به قدری وسیع است که هر عمل نیک و مفیدی را، شامل می شود و پاداش زیادی خواهد داشت.

۳. صدقه نیز، منحصر به کمک مالی نیست، و هر کار خیری اعم از گفتار و کردار مفید و ثمر بخشی که بندگان خدا را مفید باشد، در بر خواهد گرفت، چنان که قرآن کریم فرموده: «قول معروف و مغفرة خیر من صدقة یتبعها اذی» (بقره، ۲/۲۶۳)؛ گفتار پسندیده (در برابر نیازمندان) و عفو و گذشت، از بخششی که آزاری به دنبال آن باشد، بهتر است.

۴. انفاق و صدقه، ممکن است، گاهی و با توجه به شرایط (دهنده و گیرنده)، واجب باشند و گاهی هم جنبه مستحب داشته باشند.

۵. از نظر قرآن، افراد مؤمن شریف، تا ناچار نشوند، برای کمک گرفتن مادی، دست نیاز و التماس پیش دیگران دراز نمی کنند. «للفقراء الذین احصوا فی سبیل اللّٰه لا یستطیعون ضربا فی الارض یحسبهم الجاهل اغنیاء من التعقّف تعرفهم بسیماهم لا یسئلون الناس الحافاً» (بقره، ۲/۲۷۳)؛ [این صدقات] از آن تهیدستانی است که در راه خدا به تنگنا افتاده اند و

[برای معاش] نمی‌توانند سفر کنند و به خاطر مناعتی که دارند، نا آگاه آن‌ها را توان‌گر می‌پندارند، آنان را به سیمایشان می‌شناسی .

۶. در احادیث زیادی، گدایی و دست‌نیاز پیش‌دیگران دراز کردن، بسیار زشت و ذلت‌آور معرفی شده^۶ و طبق بیان امام صادق(ع) خوردن مال و درآمد گدایی، در ردیف شراب‌خواری قرار گرفته است!^۷

۷. پیامبر اسلام(ص) فرمود: سخن سؤال‌کننده را قطع نکنید، بگذارید ناراحتی خود را بیان کند و شما راز و وضع خویش آگاه سازد^۸ (تا حداقل آرامش بیابد یا راه چاره‌ای ارائه دهید).

۸. امام علی(ع) فرمود: سوال‌کننده را محروم نکنید، اگر چه با آب گرمی یا چیز اندکی باشد.^۹

سستی در عبادت

عبادت، زیباترین، لذیذترین، استوارترین و قوی‌ترین ارتباط مخلوق ناتوان با خالق توانای جهان هستی است که سستی در آن، موجب انحطاط و سقوط هویت انسانی می‌گردد. دایرهٔ عبادت نیز در اسلام، آن قدر وسیع است که علاوه بر نماز، روزه، خمس، زکات، جهاد و دفاع و امر به معروف و نهی از منکر، گفتار و اعمال دیگری را هم شامل می‌شود، که هر کدام آداب و احکام ویژه‌ای دارد و برای این که مطلوب شارع مقدس و مقبول درگاه الهی قرار گیرد، باید آداب ظاهری و باطنی آن رعایت شود. اما، آن چه در همهٔ عبادات ضروری است، حال و نشاط و مراقبت و کمک گرفتن از خداوند؛ برای انجام صحیح آن‌هاست.

امام زین العابدین(ع)، عرض می‌کند: «ولا تبتلینی بالكسل عن عبادتک؛ خدایا! مرا به هنگام عبادت، به کسالت و خستگی مبتلا مکن، و به نادیده گرفتن راه هدایت خویش گرفتار مساز».

آری، همان‌طور که در بالا اشاره کردیم، لازمهٔ هر عبادتی اخلاص در نیت، شوق و نشاط و عزم جدی و خالصانه است و سستی بی‌توجهی از آفات بزرگ عبادت محسوب می‌شود و سبب می‌گردد، که عبادت ارزش لازم و سازندگی کافی نداشته باشد این کسالت

و خستگی انسان را از مرحله ایمان خارج می کند و در ردیف منافقان قرار می دهد!
قرآن کریم، درباره منافقان فرموده است: آنان نماز خود را برای فریب دادن خدا
می خوانند... «وإذا قاموا إلى الصلوة قاموا كسالى يراءون الناس و لا يذكرون الله إلا قليلا»
(نساء، ۱۴۲/۴)؛ و آن گاه به نماز می ایستند، با حالت کسالت و بی حالی و برای نشان دادن به
افراد نماز می خوانند و فقط خدا را اندکی یاد می کنند!

به هر حال، چنین حالتی، آفت بزرگ عبادت است، امام سجاده^(ع) هم برای آموزش
ما، از خدا می خواهد، که به آن مبتلا نشود و امام باقر^(ع) هم فرموده: بسیار مواظب باشید، با
حالت کسالت و سستی و سنگینی نماز نخوانید. بلکه جدیت و نشاط و خشوع داشته
باشید.

روابط اجتماعی

روابط اجتماعی، لازمه زندگی اجتماعی است و در این راه، برای رسیدن به هدف های
مهم زندگی، تحمل، مواظبت، صبر و شکیبایی، هوشیاری و عفو و گذشت از آزارها و
سرزنش ها، ضروری می باشد. امام سجاده^(ع) از خدا می خواهد: «خدایا به من قدرت و توفیق
بده، تا با کسی که با من بدی کرده خیرخواه باشم و با کسی که مرا رها کرده نیکی و باکسی
که از من بریده، پیوند و ارتباط نیک داشته باشم».

باری، عکس العمل نشان دادن در برابر لغزش ها و بدهی های دیگران، موجب کینه
و کدورت می شود، در چنین وضعی چه باید کرد؟

آیا می شود، جواب «کلوخ انداز را با سنگ داد؟» و این روش، مشکلات را می کاهد، یا افزون
می گرداند؟ قرآن کریم، خطاب به پیامبر (ص) فرماید: «إدفع بالتي هي أحسن السيئة...» (مؤمنون، ۹۶/۲۳)
؛ بدی ها را، از راهی که بهتر است دفع کن (و پاسخ بدی را به نیکی بده).

قطع ارتباط در میان قوم و خویشان و دیگران به خاطر مسایل مالی و قومی و حتی
اعتقادی نیز، ممکن است پدید آید و سبب نگرانی گردد، اما ادامه آن قطع ارتباط به صلاح
نیست مشکلات دیگری هم در پی خواهد داشت، بدین لحاظ با رعایت سایر جهات، لازم
است، به جای آن صلح و صفا و ارتباط مناسب برقرار گردد.

قرآن کریم، یکی از ویژگی های مؤمنانی را که به بهشت می روند، این می داند، که:

«الذّین یصلون ما أمرالله به أن یوصل...» (رعد، ۲۱/۱۳)؛ آنان، کسانی هستند، که پیوندهایی را، که خداوند دستور به حفظ آن داده، برقرار می کنند.

بر اساس این آیات، تقاضای امام سجاده(ع) از خداوند و سایر روایاتی که در این باره رسیده، اگر کسانی ارتباط خویش را با امام، قوم و خویشان و دیگران قطع نموده اند^۱ باید آن را به پیوند استوار و آشتی جویانه تبدیل گردانند، تا روح ایمان تقویت گردد، برکت بر زندگی سرازیر شود و جامعه به سوی صلح و صلاح و امنیت اجتماعی حرکت نماید.

رفع اختلاف

امام سجاده(ع)، در فراز دیگری از دعای خود از خدا می خواهد: «خدایا! مرا به زیور نیکوکاران بیارای، و جامه تقوا پیشگان براندام من ببوشان، و در گسترش عدالت و فرو خوردن خشم، و فرو نشاندن آتش فتنه و پیوند دادن تفرقه ها و آشتی بخشیدن به دل ها، موفق بدار». تفرقه و اختلاف در خانواده و جامعه، بلای خانمان سوز و ویران گری است، قرآن کریم، به صراحت می فرماید: «واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا...» (آل عمران، ۱۰۳/۳)؛ به ریسمان دین خدا پناه ببرید و تفرقه نداشته باشید.

امام علی(ع) نیز فرموده: «إياکم و الفرقة، فانّ الشاذّ من الناس للشیطان، كما انّ الشاذّ من الغنم للذئب»؛^۲ از اختلاف و تفرقه سخت پرهیزید، چه این که فرد جدا شده از جمع دچار شیطان است، همانطور که گوسفند وامانده، طعمه گرگ می باشد.

درباره بلای اختلاف و تفرقه، که امام سجاده(ع) برای رفع آن از خدا کمک می خواهد، دو توضیح می آوریم:

۱. آیا اختلاف امت، رحمت است؟ خوش بختانه امام صادق(ع) این معنا را روشن کرده است. عبدالمومن انصاری می گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: گروهی روایت کرده اند، که رسول خدا(ص) فرمود: اختلاف امت من رحمت است!

آن حضرت فرمود: درست گفته اند. من ادامه دادم: اگر اختلاف آنان رحمت است، اجتماع آن ها عذاب است؟!!

امام صادق(ع) فرمود: آن طور که تو و آنان فکر می کنید نیست، بلکه رسول خدا(ص) کلام خداوند متعال را منظور داشته، که در قرآن فرمود: «فلولا نفر من کل فرقة منهم

طائفة...» (توبه، ۱۲۲/۹)؛ چرا از میان هر فرقه ای از مومنان، دسته ای کوچ نمی کنند، تا در مورد دین، دانش بیاموزند و هنگامی که به سوی قوم خویش بازگشتند، به آنان اخطار کنند.... بنابراین، خداوند به مسلمانان دستور داده، از محل خود به سوی رسول خدا (ص) کوچ کنند و پیوسته این کار ادامه داشته باشد (گروهی آموزش ببینند و بروند و به دنبال آنان گروه دیگری بیایند) و احکام بیاموزند، روی این حساب، اختلاف (رفت و آمد) در شهرها و مکان هاست، نه اختلاف در دین خدا، چه این که دین یکی است (و در اصل آن اختلافی نیست). ۱۳

۲. منشاء عمده اختلافاتی که در خانواده ها، گروه ها و جوامع بشری پدید می آید (اگر از اغراض قومی و منافع مادی صرف نظر کنیم) عدم آشنایی به مبانی و نداشتن آگاهی و دانش کافی است.

امام علی (ع) می فرمایند: «لو سکت الجاهل، ما اختلف الناس؛^{۱۴} اگر شخص جاهل و ناآگاه سکوت کند (و بدون آگاهی لازم، لب به سخن ننگشاید) مردم گرفتار اختلاف نمی شوند».

آتش حسد

امام سجاده (ع) در فراز دیگری از «دعای مکارم الاخلاق» از ذات مقدس تقاضا می کند: «اللهم اجعل ما یلقى الشیطان فی روعی من التمنی، و التظنی، و الحسد؛ خدایا! چنان مقرر بدار که شیطان آرزوهای بیهوده، گمان های بد و حسد ورزی را در دل من قرار ندهد».

اگر چه هر سه خصلتی را که امام (ع) برای مصونیت از آن ها، از خداوند یاری می طلبد، خصلت های ناپسند و خطرناک است، اما در این جا به خاطر فرصت اندک، فقط پیرامون خصلت ناهنجار حسد و آثار تباه کننده آن مقداری توضیح می دهیم.

فرق حسد و غبطه: غبطه، آن است، که کسی آرزو کند او نیز، به نعمت ها و موفقیت هایی که کسی یا کسانی رسیده اند، دست یابد که این حالت، آرزوی خوبی است و موجب کوشش و سازندگی می شود. اما، حسد آن است، که کسی آرزو کند نعمت یا موفقیت های دیگری یا دیگران، از آنان زایل شود و قسمت خود او گردد، که این، خصلت زشت و خطرناکی است، و سبب بیماری و هلاکت انسان می شود.

قرآن کریم، خطاب به پیامبر (ص) می فرماید: بگو، از شروری به خدا پناه می برم، از جمله: از شر (شخص) حسود، هنگامی که حسد می ورزد. «قل أعوذ برب الناس... من شر حاسد اذا حسد»

امام صادق (ع) حسد ورزیدن، خودپسندی و خودبینی و فخر فروشی را، آفت های دین داری دانسته است. ۱۵ درباره حسد ورزی، به عنوان یک خوی و خصلت ویران گر و زندگی سوز، امام باقر (ع) بیان هشدار دهنده و تکان دهنده ای دارد. آن حضرت می فرماید: «انّ الحسد لياكل الايمان، كما تاكل النار الحطب؛ ۱۶ به یقین حسد، ایمان را می خورد و نابود می کند، همان طور که شعله های آتش هیزم را می خورد و خاکستر می گرداند».

به هر حال، بیماری روانی حسد ورزی، سر منشاء بسیاری از گناهان کبیره است، که باید برای پرهیز از آن به خدا پناه برد و برای معالجه آن، از خدا کمک گرفت و تلاش فراوانی داشت.

-
۱. سفینه البحار، ۲/۹۶.
 ۲. کافی، ۲/۶۱۵؛ بحار الأنوار، ۴۶/۶۹.
 ۳. صحیح مسلم، ۵/۲۶؛ کنز العمال، ۱/۱۷۳، ح ۱۸۵؛ فضائل الخمسه، ۲/۴۴-۵۶.
 ۴. کافی، ۲/۸۴، ح ۱؛ سفینه البحار، ۴/۱۰۶.
 ۵. رجوع شود به کتب مفصل مربوطه...
 ۶. بحار الأنوار، ۶۱/۷۴.
 ۷. بحار الأنوار، ۹۳/۱۵۸.
 ۸. النوادر للراوندي/ ۳۶؛ بحار الأنوار، ۹۳/۱۳۱.
 ۹. النوادر/ ۳۶؛ بحار الأنوار، ۹۳/۱۷۱.
 ۱۰. بحار الأنوار، ۸۱/۲۳۱.
 ۱۱. تفسیر نورالثقلین، ۲/۴۹۴.
 ۱۲. نهج البلاغه فیض الاسلام، خ ۱۲۷/۳۹۲؛ شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ۸، خ ۱۲۷/۱۰۲.
 ۱۳. معانی الأخبار/ ۱۵۷.
 ۱۴. بحار الأنوار، ۸۱/۷۵.
 ۱۵. کافی، ۲/۳۰۷.
 ۱۶. همان/ ۳۰۷.